

۱۳۳ / فصلنامه اخلاق پزشکی / سال هشتم، شماره سی‌ام، زمستان ۱۳۹۳

## بررسی سبک مقابله مذهبی در دانشجویان دانشگاه پیام نور با تأکید

### بر تعالی معنوی

ولی‌اله خوش‌طینت<sup>۱</sup>

#### چکیده

با توجه به این‌که تعالی معنوی تلاش فرد برای ساختن معنایی وسیع از هدف نهایی مرگ و زندگی است و همچنین مقابله مذهبی به عنوان روشی تعریف شده است که از منابع مذهبی مانند دعا و نیایش، توکل و توسل بر خداوند برای مقابله با استرس‌ها استفاده می‌کند. بنابراین به منظور بررسی سبک مقابله مذهبی در دانشجویان دانشگاه پیام نور با تأکید بر تعالی معنوی، مطالعه‌ای در دانشگاه پیام نور مرکز اردبیل صورت گرفت و تعداد ۴۰۰ نفر از دانشجویان به عنوان نمونه‌ی آماری به شیوه‌ی تصادفی انتخاب گردید. روش پژوهش از نوع مطالعات توصیفی-همبستگی بود. داده‌ها به صورت میدانی و با استفاده از دو پرسشنامه جمع‌آوری گردید. پرسشنامه‌ها شامل (۱) مقیاس سنجش تعالی معنوی و (۲) مقیاس ۱۴ سؤالی مقابله مذهبی بودند. نتایج تحلیل نشان داد که: میانگین تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن شامل وحدت، پیوند معنوی (به جز در بین دانشجویان مذکر)، و کامروایی معنوی هم در بین دانشجویان مؤنث و هم در بین دانشجویان مذکر از حد وسط‌های احتمالی (میانگین مفهومی) متناسب خود به طور معنی‌داری بالاتر است. اما وضعیت پیوند معنوی در نزد دانشجویان پسر (با میانگین: ۲۳/۴ و انحراف معیار: ۳/۴) در حد متوسط است. از بین دانشجویان مورد مطالعه، ۵ درصد دارای سبک مقابله‌ای منفی و ۹۵ درصد دارای سبک مقابله‌ای مثبت هستند و اما متغیرهای تعالی معنوی توان تبیین معنی‌دار سبک‌های مقابله‌ای را نداشت. البته این

۱- استادیار گروه الهیات و علوم اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نشانی الکترونیک: vkhoshtinat@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۲/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۲۳

۱۳۴ / فصلنامه اخلاق پزشکی      سال هشتم، شماره سی‌ام، زمستان ۱۳۹۳

می‌تواند ناشی از این باشد که اغلب دانشجویان دارای سبک مقابله‌ای مثبت بوده‌اند و پیش‌بینی در جامعه‌ی همگن، اغلب معنی‌دار نمی‌باشد.

### واژگان کلیدی:

تعالی معنوی، دانشجویان دانشگاه پیام نور، مقابله مذهبی، وحدت و پیوند

معنوی

## مقدمه

کلمه معنویت (Spirituality) برگرفته از ریشه spirit به معنی روح و جان است. مروری بر بررسی‌های اخیر در مورد معنای معنویت آشکار می‌سازد که درباره‌ی معنای این اصطلاح توافق گسترده‌ای وجود ندارد. این امر شاید به این دلیل باشد که درباره‌ی برداشتی که مردم از اصطلاح معنویت دارند، ارزیابی کمی صورت گرفته است. اصطلاح معنویت امروزه در حال رخنه کردن در همه حوزه‌های پژوهشی می‌باشد. با توجه به تفاوت در دیدگاه‌ها، ابزارهای سنجش و تفاوت در برداشت و ادراک، از معنویت، تعاریف گوناگونی ارائه شده است (کاوانا، ۱۹۹۹م). معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است که در قلب‌ها و ذهن‌ها و در آیین‌ها، به ویژه در آیین‌های مذهبی وجود دارد. با توجه به اینکه معنویت، قلمرو و دغدغه‌ی نهایی و غایی است؛ و همه‌ی انسان‌ها دغدغه‌ی نهایی دارند، پس همه انسان‌ها معنوی هستند. البته از دغدغه‌ی نهایی؛ برداشت‌های گوناگونی وجود دارد ولی اغلب روانشناسان معنویت را تلاش همواره‌ی بشر برای پاسخ دادن به چراهای زندگی تعریف کرده‌اند و اصولاً حس پیوسته‌ی فرد در ارتباط با خود، جهان، دیگران و دنیای بالا است (صمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱).

تعالی معنوی تلاش فرد برای ساختن معنایی وسیع از هدف نهایی مرگ و زندگی است. به عبارت دیگر استعداد فرد برای بیرون ایستادن از زمان و مکان حاضر و دیدن زندگی از یک منظرگاه بزرگ‌تر و عینی‌تر است. مقابله مذهبی روشی است که انسان‌ها از عقاید و شعایر مذهبی جهت رویارویی با مشکلات و فشارهای زندگی بهره می‌گیرند (کونیک و همکاران، ۱۹۹۷م، ص ۳۶۶).

تعالی معنوی به انسان کمک می‌کند تا بخش‌های مجزای زندگی را به هم متصل کند و یک کل معنادار بسازد (سید موسوی و همکاران، ۱۳۸۷ش، ص ۱۹۰).

روان‌شناسی سلامت در سال‌های اخیر اهمیت زیادی برای نقش راهبردهای مقابله و سبک زندگی افراد در چگونگی سلامت روانی آن‌ها قائل شده است. شیوه‌های مقابله، توانایی‌های شناختی و رفتاری هستند که توسط افراد در معرض استرس به منظور کنترل نیازهای خاص، درونی و بیرونی که فشار آور بوده و فراتر از منابع فردی هستند به کار گرفته می‌شوند (هینز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶م). در همین راستا مقابله مذهبی<sup>۳</sup> به عنوان روشی تعریف شده است که از منابع مذهبی مانند دعا و نیایش، توکل و توسل بر خداوند برای مقابله با استرس‌ها استفاده می‌کند. یافته‌های اخیر نشان داده‌اند از آن‌جا که این نوع مقابله‌ها هم به عنوان منبع حمایت عاطفی و هم وسیله‌ای برای تفسیر مثبت حوادث زندگی هستند و می‌توانند به کارگیری مقابله‌های بعدی را تسهیل نمایند، از این رو به کارگیری آن‌ها برای بیشتر افراد مفید واقع می‌شود (کارور<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲م). به طور کلی مقابله مذهبی متکی بر باورها و فعالیت‌های مذهبی است و از این طریق در کنترل استرس‌های هیجانی و ناراحتی‌های جسمی به افراد کمک می‌کند. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به کمک و یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و روحانی و نظایر آن همگی از جمله منابعی هستند که افراد مذهبی با برخورداری از آن‌ها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی آسیب کمتری را متحمل شوند. به طور کلی مذهب در تمامی مراحل می‌تواند نقش مؤثری در استرس داشته باشد. به عنوان مثال، در ارزیابی موقعیت، ارزیابی شناختی خود فرد، فعالیت‌های مقابله‌ای، منابع حمایتی و جز آن که این نوع روی‌آوری می‌تواند نقش کاهش دهنده فشار روانی را ایفا نماید (شعاع کاظمی، ۱۳۸۸ش). با توجه به اینکه در مجموع باورهای مذهبی سبب داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به کمک

نیروی عظیم و دائمی در شرایط مشکل‌زای زندگی، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و ... می‌گردد به نظر می‌رسد از جمله متغیرهایی که استفاده از مقابله مذهبی را تسهیل می‌نماید، تعالی معنوی<sup>۵</sup> است.

از دیدگاه لازارس و فلکمن (۱۹۸۴م.) مقابله عبارت است از: تلاش‌های فکری، هیجانی و رفتاری فرد که هنگام رو به رو شدن با فشارهای روانی به منظور غلبه کردن، تحمل کردن و یا به حداقل رساندن عوارض تنیدگی به کار گرفته می‌شود. لازارس و فلکمن<sup>۶</sup> (۱۹۸۴م.) معتقدند که مقابله یک راهبرد منفرد به کار گرفته در تمام زمان‌ها و موقعیت‌ها نیست، بلکه افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و در برابر عوامل تنیدگی‌زای متفاوت، به گونه‌ای مجزا مقابله می‌کنند (به نقل از نوبخت فرد، ۱۳۸۸ش.). اتکینسون<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۰۳م.)، به نقل از ناگاس<sup>۸</sup> و همکاران، (۲۰۰۹م.) مقابله را به عنوان روشی تعریف می‌کنند که در آن فرد با محیط اجتماعی و فیزیکی خود مواجه شده و منابع خود را در جهت مهار تنیدگی به حرکت در می‌آورد. اسمیت<sup>۹</sup> و همکاران (۲۰۰۳م.)؛ به نقل از محمدی، (۱۳۸۶ش.) اصطلاح مقابله را به فرآیندی اطلاق نموده‌اند که از طریق آن فرد سعی می‌کند فشارهای روانی را کنترل و مدیریت کند.

اسپیلکا<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۰۳م.) معتقدند که، مقابله مذهبی می‌تواند سودمند واقع شود و در واقع راه میانبری باشد که از طریق آن افراد می‌توانند راهبرد جدیدی را برای حل مسائل خویش به کار گیرند اما از سوی دیگر چنانچه فردی از رویارویی فعالانه با مشکلات، مخاطرات و حالات نامساعد اجتناب ورزد و صرفاً به انتظار آن بماند که خداوند وضعیت دشوار او را بهبود بخشد با نوعی بدکار کردی مذهب روبرو خواهیم بود.

ویقلسورس<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۴م.) معتقد است که، معنویت نیاز ذاتی انسان برای ارتباط

با چیزی فراتر از ماست. این چیز می‌تواند به عنوان دو هدف تعریف شود. این دو هدف عبارتند از: ۱- چیزی مقدس، آسمانی، بدون زمان و مکان، یک قدرت بالاتر، منبع و در نهایت، خودآگاهی - یا هر زبان دیگری که شخص ترجیح می‌دهد به آن منبع متصل شده و مورد هدایت قرار بگیرد. ۲- در خدمت انسان‌های همتا بودن و همچنین به طور گسترده در خدمت جهان بودن. بعضی از محققین مطالعاتی را انجام دادند تا مکان‌های را که در مغز مربوط به تجربه‌های معنوی است را مشخص سازند. برای مثال دیویدسون<sup>۱۲</sup> و همکارانش (۲۰۰۳م)، نقل از آمرام<sup>۱۳</sup> و درایر<sup>۱۴</sup>، (۲۰۰۷م) دریافتند کسانی که به مراقبه عمیق آموزش داده شده بودند، فعالیت کورتکس لوب پیشانی آن‌ها فعالیت بیشتری نسبت به سایر افراد داشت. بعضی از تحقیقات نشان دادند که ممکن است بخش‌های متفاوتی از سیستم عصبی مربوط به معنویت وجود داشته باشد. مثلاً سیستم لیمبیک برای تجربه‌های معنوی به ویژه تجربه‌های عرفانی از یگانگی و وحدت است (نقل از ایمونز، ۲۰۰۰م). مطالعاتی هم در خصوص وراثتی بودن توانایی‌ها و ظرفیت‌های معنوی انجام گرفته است. هامر<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۴م) در مطالعاتی که بر روی برادران و خواهران هم جنس انجام داده مشاهده کرده که در آن‌ها، احساس تعالی خویشتن از یک سهم ژنتیکی برخوردار بوده است. البته مسلماً یافتن شواهد مبنی بر ارثی بودن معنویت شاید کار آسانی نباشد. همانطوری که ایمونز (۲۰۰۰م) اشاره می‌کند به جای آن، می‌توان به رابطه بعضی از ویژگی‌های شخصیتی با معنویت که به نظر می‌رسد اساس وراثتی دارند، توجه کرد و این اساس بیولوژیکی دین و معنویت را بهتر روشن می‌کند. در فرهنگ اسلامی شیعه این مسأله که خانواده رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار از معنویت بالایی برخوردار بودند شاید دلیلی برای ارثی بودن معنویت باشد که روان‌شناسان به دنبال یافتن آن هستند. اما همچنان در این رابطه نیازمند تحقیقات و

بررسی‌های بیشتر می‌باشیم.

کیم<sup>۱۶</sup> و سیدلیتز<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۲م.) با هدف بررسی رابطه معنویت با سازگاری جسمی و هیجانی با استرس‌های روزانه که بر روی ۱۱۳ دانشجوی صورت گرفت به دست آوردند که معنویت تأثیرات مضر استرس بر سازگاری را تعدیل می‌کند و راهبردهای مختلف مقابله را تنظیم می‌کند. همچنین معنویت در فرآیند مقابله نقش دو سویه دارد، به طوری که می‌تواند با شکل‌دهی به ماهیت «حوادث زندگی»، اعمال مقابله‌ی و نتایج این حوادث، به مقابله کمک کند. همچنین معنویت می‌تواند ناشی از مقابله نیز باشد که با عنصر دیگری از فرآیند مقابله ایجاد شده است. بنابراین در این پژوهش محققان در نظر دارند نقش هوش معنوی و تعالی معنوی را در سبک مقابله مذهبی بررسی نمایند.

### ضرورت انجام تحقیق

امروزه علی‌رغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه‌های زندگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مسائل زندگی، فاقد توانایی‌های لازم و اساسی برای زندگی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی روزمره و مقتضیات آن آسیب پذیر نموده است. و خیلی‌ها برای مقابله با چالش‌های زندگی راه نادرست پیش می‌گیرند. بنابراین انسان‌ها برای مقابله سازگارانه با استرس‌ها و کشمکش‌های زندگی به مهارت‌هایی نیاز دارند که آنان را در برخورد با این موقعیت‌ها مقاوم و تجهیز نماید. از جمله این مهارت‌ها، سبک‌های مقابله‌ای یا روش‌های کنار آمدن با چالش‌های زندگی است که از نظرگاه‌های مختلف این سبک‌ها مورد مطالعه واقع شده‌اند. از جمله از روش‌های کنار آمدن، سبک مقابله‌ی مذهبی است. این سبک نقش مؤثری در کاهش استرس‌ها و فشارهای

روانی و زندگی داشته، فرد را در مواجهه با مشکلات امیدوار می‌نماید. اما از جمله از متغیرهایی که به نظر می‌رسد فرد را به سمت مقابله‌ی مذهبی سوق می‌دهد، تعالی معنوی است. که این متغیر رشد پذیر بوده و قابل ارتقاء می‌باشد. بنابراین شناسایی وضعیت تعالی معنوی در بین دانشجویان و نیز شناسایی وجود ارتباط آن با مقابله مذهبی می‌تواند توجه مسئولین امر را در زمینه‌ی ارتقای تعالی معنوی و نیز به تبع آن ارتقای مقابله مذهبی که اهمیت بالایی دارد را به این امر معطوف دارد.

هدف از این تحقیق بررسی سبک مقابله مذهبی مثبت و منفی در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور با تأکید بر تعالی معنوی بود.

### روش تحقیق

این پژوهش مطالعه‌ای توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی است. جامعه آماری این پژوهش را تعداد تقریبی ۵۰۰۰ نفر دانشجوی دختر و ۳۰۰۰ نفر دانشجوی پسر در مجموع ۸۰۰۰ نفر دانشجوی مرکز اردبیل در جریان نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹ تشکیل داد.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی برای نمونه‌گیری استفاده شد. بدین منظور از بین رشته‌های مختلف تحصیلی، ابتدا به طور تصادفی، کلاس‌های درس انتخاب شد. سپس در داخل کلاس‌ها، دانشجویان به عنوان واحد نمونه‌گیری انتخاب شدند. حجم نمونه آماری بر اساس جدول کرجسی- مورگان محاسبه گردید. بر اساس جدول مذکور با احتساب  $\alpha=0/05$  از جامعه‌ای به حجم ۷۰۰۰ بایستی نمونه‌ای ۳۶۴ نفری و از جامعه‌ای به حجم ۸۰۰۰ نفر نمونه‌ای ۳۶۷ نفری انتخاب نمود (کرجسی، مورگان؛ ۱۹۷۰م). در این



پژوهش هم برای رعایت کفایت نمونه و هم با توجه به خوشه‌ای بودن روش نمونه‌گیری، نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر انتخاب گردید. لازم به توضیح است که به هنگام استفاده از فرمول  $n = \frac{Z^2 \alpha/2 P \cdot Q \cdot d}{d^2}$  که در آن  $p = q = 0.5$  (بیشترین مقدار ممکن واریانس صفت‌های مورد مطالعه) نیز رقم  $n = 400$  به عنوان نمونه آماری محاسبه می‌گردد.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز؛ علاوه بر ۶ سؤال جهت اخذ اطلاعات دموگرافیک جنسیت، رشته‌ی تحصیلی، ترم، معدل کل، نوع سکونت و نوع پذیرش از پرسشنامه‌ای به شرح زیر استفاده شد:

مقیاس سنجش تعالی معنوی<sup>۱۸</sup> (STS) پایدمونت (۱۹۹۹م): این مقیاس پس از تحلیل عاملی، ۱۹ سؤال آن مناسب بوده و توان شناسایی سه عامل را دارد. عامل وحدت شامل ۴ سؤال با پایایی  $\alpha = 0.73$ ؛ پیوند معنوی شامل ۸ سؤال با پایایی  $\alpha = 0.74$  و کامروایی معنوی شامل ۷ سؤال با پایایی  $\alpha = 0.75$ .

پایایی کل مقیاس با روش آلفای کرونباخ برابر  $\alpha = 0.84$  گزارش شده است. این مقیاس در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای تنظیم شده است. نمره‌گذاری مقیاس به صورت کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱ بوده است. حداقل نمره‌ی افراد در این مقیاس برابر ۱۹ و حداکثر آن ۹۵ است. سؤالات ۱ تا ۴ مربوط به وحدت، ۵ تا ۱۱ مربوط به کامروایی معنوی و ۱۲ تا ۱۹ مربوط به پیوند معنوی است.

مقیاس مقابله مذهبی<sup>۱۹</sup> (RCS): این مقیاس توسط پارگامنت (۲۰۰۰م) ساخته شده و شکل اولیه‌ی آن شامل ۱۰۰ گویه بود. فرم کوتاه آن (حسنی و اجاری و همکاران، ۱۳۸۴ش) که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت فرم ۱۴ سؤالی و مشخص کننده سبک مقابله‌ای مثبت و منفی بود. هر یک از مقیاس‌های مثبت و

منفی شامل ۷ گویه بوده و به صورت طیف لیکرت چهارگزینه‌ای از اصلا = صفر تا خیلی زیاد = ۳ نمره‌گذاری می‌گردند. گویه‌های ۱ تا ۷ سبک مقابله‌ای مثبت و گویه‌های ۸ تا ۱۴ سبک مقابله‌ای منفی را می‌سنجند. مقابله‌ی مذهبی مثبت سبک‌هایی از مواجه شدن با رویدادهای منفی زندگی است که در آن، فرد با بهره‌گیری از ارزیابی‌ها و تفاسیر مثبت مرتبط با یاری پروردگار، به استقبال رویدادها می‌رود به عبارتی فرد معتقد است در موقعیت‌های خطرناک خدا او را تنها نخواهد گذاشت. اما در شکل دیگری از مقابله تحت عنوان مقابله‌ی مذهبی منفی، فرد در موقعیت‌های دشوار، با خدا رابطه‌ی اجتنابی و نامطمئن دارد و منتظر عذاب الهی است (حسینی و اجاری و همکاران، ۱۳۸۴ ش.).

### روش جمع آوری داده‌ها

داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه به صورت میدانی جمع‌آوری گردید. بدین ترتیب که پرسشگران آموزش دیده در محیط‌های پژوهشی شامل پردیس دانشگاه، و کلاس‌های دانشگاه حاضر شده و پرسشنامه را در اختیار دانشجویان قرار می‌دادند و پس از تکمیل جمع‌آوری نمودند.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

سؤالات و فرضیه‌های پژوهش ابتدا در قالب جداول آماری توصیف شده و با استفاده از روش‌های آماری زیر تحلیل می‌گردند:

سؤالات ۱ و ۲ با استفاده از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای؛

سؤال ۳ با استفاده از آزمون کای اسکوار؛

سؤال ۴ با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون؛

سؤال ۵ با استفاده از آزمون رگرسیون لوجستیک.

### نتیجه گیری

وضعیت زمینه‌ای پاسخگویان

نتایج حاصل از توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب نوع بومی و غیربومی بودن و نوع پذیرش در دانشگاه (جدول ۱) نشان داد که درصد پاسخگویان دانشجویان بومی با اختلاف بسیار زیادی بیشتر از دانشجویان غیربومی بود، همچنین مشخص شد که نسبت پاسخگویان به سؤالات این تحقیق در بین دانشجویان قبول شده در کنکور سراسری نسبت به فراگیر نیز بیشتر بود. این امر نشان می‌دهد که نتایج این تحقیق بیشتر برای دانشجویان بومی که از طریق کنکور سراسری وارد دانشگاه شده‌اند، قابل تعمیم می‌باشد.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب نوع بومی و غیربومی بودن و نوع

پذیرش در دانشگاه

نوع سکونت	فراوانی	درصد	درصد تصحیح شده
بومی	۳۴۵	۸۶/۳	۹۲/۵
غیر بومی	۲۸	۷/۰	۷/۵
کل	۳۷۳	۹۳/۰	۱۰۰
بدون پاسخ	۲۷	۶/۷	-
نوع پذیرش			
فراگیر	۱۶	۴/۰	۴/۲
کنکور سراسری	۳۶۱	۹۰/۳	۹۵/۸
کل	۳۷۷	۹۴/۳	۱۰۰
بدون پاسخ	۲۳	۵/۸	-
کل	۴۰۰	۱۰۰	

طبق داده‌های جدول ۲؛ مقادیر  $t$  محاسبه شده و  $P < 0/01$  نشان می‌دهند که میانگین تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن شامل وحدت، پیوند معنوی (به جز در بین دانشجویان مذکر)، و کامروایی معنوی هم در بین دانشجویان مؤنث و هم در بین دانشجویان مذکر از حد وسط‌های احتمالی (میانگین مفهومی) متناسب خود به طور معنی‌داری بالاتر است. بنابراین وضعیت تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن هم در بین دانشجویان دختر و هم در بین دانشجویان پسر به طور معنی‌داری بالاتر از حد متوسط است. اما وضعیت پیوند معنوی در نزد دانشجویان پسر در حد متوسط است.

جدول ۲: میانگین تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن به تفکیک جنسیت

تعداد جنس	میانگین	انحراف معیار	معیار مقایسه *	$t$	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین
وحدت	۱۷/۲	۲/۳	۱۲	۳۹/۸	۲۹۶	۰/۰۰۰	۵/۲
مؤنث	۱۵/۵	۲/۸	۱۲	۱۲/۷	۱۰۲	۰/۰۰۰	۳/۵
مذکر							
پیوند معنوی	۲۶/۶	۴/۳	۲۴	۱۰/۶	۲۹۶	۰/۰۰۰	۲/۶
مؤنث	۲۳/۴	۳/۴	۲۴	-۱/۸	۱۰۲	۰/۰۷۹	-۱/۶
مذکر							
کامروایی معنوی	۳۲/۷	۴/۱	۲۱	۴۹/۰	۲۹۶	۰/۰۰۰	۱۱/۷
مؤنث	۲۹/۷	۴/۲	۲۱	۲۱/۲	۱۰۲	۰/۰۰۰	۸/۷
مذکر							
تعالی معنوی	۷۶/۵	۸/۴	۵۷	۴۰/۲	۲۹۶	۰/۰۰۰	۱۹/۵
مؤنث	۶۸/۶	۶/۹	۵۷	۱۷/۲	۱۰۲	۰/۰۰۰	۱۱/۶
مذکر							

عدد ۲ در نمره گذاری هر سؤال حد وسط است. ۲ (ضربدر) تعداد سؤالات آن مولفه = معیار مقایسه \*

بر اساس وضعیت سبک مقابله‌ای مذهبی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت (جدول ۳) مشاهده شد که صرف‌نظر از جنسیت؛ از بین کل دانشجویان پاسخگو، حدود ۵ درصد دارای سبک مقابله‌ای منفی و ۹۵ درصد دارای سبک

مقابله‌ای مثبت هستند و این امر نشان می‌دهد که سبک مقابله‌ای مثبت با اختلاف بسیار معنی‌داری نسبت به سبک مقابله‌ای منفی بیشتر در بین دانشجویان بیشتر می‌باشد.

در تفکیک جنسیتی از بین کل دانشجویان مؤنث شرکت کننده در این تحقیق مشخص شد که، درصد بسیار پایینی از دانشجویان مؤنث پاسخ دهنده به سؤالات، دارای سبک مقابله‌ای منفی بودند این در حالی بود که سبک مقابله‌ای مثبت در بین این دانشجویان با اختلاف بسیار زیاد، در بالاترین سطح قرار داشت. این وضعیت برای دانشجویان مذکر، علی‌رغم این که از نظر فراوانی نسبت به دانشجویان مؤنث پاسخ دهنده، کمتر بودند ولی باز درصد بسیار پایینی از این دانشجویان دارای سبک مقابله‌ای منفی بودند و سبک مقابله‌ای مثبت در بین این دانشجویان با اختلاف بسیار زیاد، در بالاترین سطح قرار داشت (جدول ۳).

مقدار  $X^2(1) = 4/1$  محاسبه شده با توجه به  $P < 0/05$ ؛ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است. به عبارتی جنسیت دانشجویان و نوع سبک مقابله‌ای آنان با همدیگر وابستگی معنی‌دار دارند.

بدون متغیرهای پیش بین و قبل از ورود آن‌ها به مدل، در کل ۹۵ درصد پیش بینی‌ها درست می‌باشد. در بین سبک‌های مقابله‌ای مثبت، تمام پیش بینی‌ها درست و در بین سبک‌های مقابله‌ای منفی تمام پیش بینی‌ها نادرست بوده است.

پس از ورود متغیرهای پیش بین تفاوتی در وضعیت پیش بینی رخ نداده است. به بیان دیگر با متغیرهای پیش بین و قبل از ورود آن‌ها به مدل، در کل ۹۵ درصد پیش بینی‌ها درست می‌باشد. در بین سبک‌های مقابله‌ای مثبت، تمام پیش بینی‌ها درست و در بین سبک‌های مقابله‌ای منفی تمام پیش بینی‌ها نادرست

بوده است.

در مجموع می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد ادعا نمود که متغیرهای هوش معنوی و تعالی معنوی توان تبیین معنی‌دار سبک‌های مقابله‌ای را ندارند.

جدول ۳: وضعیت سبک مقابله‌ای مذهبی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت

جنسیت	نوع سبک مقابله‌ای		کل
	مثبت	منفی	
مؤنث	۲۸۶	۱۱	۲۹۷
	۹۶/۳	۳/۷	۱۰۰
	۷۵/۳	۵۵/۰	۷۴/۳
مذکر	۹۴	۹	۱۰۳
	۹۱/۳	۸/۷	۱۰۰
	۲۴/۷	۴۵/۰	۲۵/۸
کل	۳۸۰	۲۰	۴۰۰
	۹۵/۰	۵/۰	۱۰۰
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

$$P < 0.05 \text{ و } df = 1, \chi^2 = 4.1$$

### بحث

نتایج پژوهش نشان داد که میانگین تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن شامل وحدت، پیوند معنوی (به جز در بین دانشجویان مذکر)، و کامروایی معنوی هم در بین دانشجویان مؤنث و هم در بین دانشجویان مذکر از حد وسط‌های احتمالی (میانگین مفهومی) متناسب خود به طور معنی‌داری بالاتر است. بنابراین وضعیت تعالی معنوی و مؤلفه‌های آن هم در بین دانشجویان دختر و هم در بین دانشجویان پسر به طور معنی‌داری بالاتر از حد متوسط است. اما وضعیت پیوند معنوی در نزد دانشجویان پسر در حد متوسط است. یافته‌های فوق با توجه به

مفاهیم تعالی معنوی منطقی به نظر می‌رسند زیرا که در تعالی معنوی «سود جستن از منابع معنوی» مطرح است در واقع تعالی معنوی تلاش فرد برای ساختن معنایی وسیع از هدف نهایی مرگ و زندگی است، به عبارت دیگر استعداد فرد برای بیرون ایستادن از زمان و مکان حاضر و دیدن زندگی از یک منظرگاه بزرگتر و عینی تر است (کونیک و همکاران، ۱۹۹۷م، ص ۳۶۶). تعالی معنوی به انسان کمک می‌کند تا بخش‌های مجزای زندگی را به هم متصل کند و یک کل معنادار بسازد (سید موسوی و همکاران، ۱۳۸۷ش، ص ۱۹۰). روان شناسی سلامت در سال‌های اخیر اهمیت زیادی برای نقش راهبردهای مقابله و سبک زندگی افراد در چگونگی سلامت روانی آن‌ها قائل شده است. شیوه‌های مقابله، توانایی‌های شناختی و رفتاری هستند که توسط افراد در معرض استرس به منظور کنترل نیازهای خاص، درونی و بیرونی که فشارآور بوده و فراتر از منابع فردی هستند به کار گرفته می‌شوند (هینز<sup>۲۰</sup>، ۱۹۹۶م). مقابله مذهبی روشی است که انسان‌ها از عقاید و شعائر مذهبی جهت رویارویی با مشکلات و فشارهای زندگی بهره می‌گیرند (کونیک و همکاران، ۱۹۹۷م، ص ۳۶۶). در همین راستا مقابله مذهبی<sup>۲۱</sup> به عنوان روشی تعریف شده است که از منابع مذهبی مانند دعا و نیایش، توکل و توسل بر خداوند برای مقابله با استرس‌ها استفاده می‌کند. یافته‌های اخیر نشان داده‌اند از آن جا که این نوع مقابله‌ها هم به عنوان منبع حمایت عاطفی و هم وسیله‌ای برای تفسیر مثبت حوادث زندگی هستند و می‌توانند به کارگیری مقابله‌های بعدی را تسهیل نمایند، از این رو به کارگیری آن‌ها برای بیشتر افراد مفید واقع می‌شود (کارور<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۲م). به طور کلی مقابله مذهبی متکی بر باورها و فعالیت‌های مذهبی است و از این طریق در کنترل استرس‌های هیجانی و ناراحتی‌های جسمی به افراد کمک می‌کند. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به

کمک و یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و روحانی و نظایر آن همگی از جمله منابعی هستند که افراد مذهبی با برخورداری از آن‌ها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی آسیب کمتری را متحمل شوند.

از بین دانشجویان معادل ۵ درصد دارای سبک مقابله‌ای منفی و معادل ۹۵ درصد دارای سبک مقابله‌ای مثبت هستند این نتایج نیز به نوعی یافته‌های بالا را تأیید می‌نمایند. اما متغیرهای تعالی معنوی توان تبیین معنی‌دار سبک‌های مقابله‌ای را ندارند. البته این می‌تواند ناشی از این باشد که اغلب دانشجویان دارای سبک مقابله‌ای مثبت بوده‌اند و پیش‌بینی در جامعه‌ی همگن، اغلب معنی‌دار نمی‌باشد. در این پژوهش از تحلیل مسیر برای تحلیل فرضیه‌ها استفاده گردید که لازمه‌ی استفاده از این روش آماری؛ نسبی بودن متغیر وابسته است؛ اما ویژگی‌های علوم انسانی در کل و متغیرهای موجود در این پژوهش به طور خاص نسبی نبوده و به طور مجازی نسبی در نظر گرفته شد که احتمالاً یافته‌های تحقیق را تحت‌الشعاع قرار دهد. با توجه به این‌که ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه‌های مورد استفاده کاملاً برای دانشجویان سیستم آموزش از دور بررسی نشده بود و در این پژوهش هم صرفاً به بررسی پایایی اکتفا شد احتمال خطای ابزار وجود دارد، خطای احتمالی بعدی که جزء خطاهای ذاتی پرسشنامه است، در این تحقیق نیز به قوت خود باقی است یعنی اینکه احتمال دارد پاسخگویان به طور واکنشی به سؤالات پرسشنامه پاسخ داده باشند. در این پژوهش، کل جامعه‌ی آماری در دسترس نبوده است و نمونه‌ی انتخابی دانشجویانی بوده‌اند که در پردیس دانشگاهی حضور پیدا نموده‌اند. این مورد می‌تواند یافته‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، همچنین با توجه به اینکه مطالعات انجام یافته در زمینه‌ی ارتباط



بین متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش اغلب به صورت دو متغیره بوده و چند متغیری نبوده است لذا امکان بحث بیشتر مقدور نمی‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود جهت به دست آوردن نتایج جامع و کامل، از کل دانشجویان موجود در دانشگاه اعم از دانشجویانی که در دانشگاه حضور داشتند و یا نداشتند، تست مورد نظر به عمل آید. به منظور افزایش امکان بحث و تکمیل مناسب تحقیق انجام شده، مطالعاتی در زمینه‌ی ارتباط بین متغیرهای مورد مطالعه به صورت چند متغیری صورت گیرد، همچنین این تحقیق در بین دانشجویان سایر دانشگاه‌های استان نیز انجام گیرد.

## پی‌نوشت‌ها

- 1 - Cavanagh
- 2 - Hynes
- 3 - religious coping
- 4 - Carver
- 5 - spiritual transcendence
- 6 - Lazarus & Folkman
- 7 - Atkinson
- 8 - Nagas
- 9 - Esmith
- 10 - Spilka
- 11 - Wigglesworth
- 12 - Davidson
- 13 - Amram
- 14 - Dryer
- 15 - Hamer
- 16 - Kim
- 17 - Seidlitz
- 18 - spiritual transcendence scale
- 19 - religious coping scale
- 20 - Hynes
- 21 - religious coping
- 22 - Carver

## فهرست منابع

- حسینی واجاری، کتایون؛ بهرامی احسان، هادی. (۱۳۸۴)، نقش مقابله مذهبی در خوشبختی معنوی در تبیین سلامت روان. مجله روان‌شناسی، ۳، ۲۴۸-۲۶۰.
- سید موسوی، پریسا؛ وفایی، مریم؛ رسول زاده طباطبایی، کاظم؛ نادعلی، حسین. (۱۳۸۷)، رابطه راهبردهای مقابله مذهبی با تعالی پس‌ضربه‌ای و درماندگی در دانشجویان. روانشناسی معاصر، ۱، ۹۲-۱۰۱.
- شعاع کاظمی، مهر انگیز. (۱۳۸۸)، رابطه مقابله‌های مذهبی و سلامت روان در بیماران مبتلا به تصلب

چندگانه بافت (MS). فصلنامه روان شناسی کاربردی، ۱۵۷-۶۶.

صمدی، پروین. (۱۳۸۵)، «هوش معنوی». اندیشه های نوین تربیتی، دوره ۲، شماره ۳ و ۴، ۹۹-۱۱۴.  
 محمدی، شهناز. (۱۳۸۶)، مقایسه مکانیسم های مقابله ای، فرسودگی شغلی و سلامت روان در بین دبیران ایران و هند. فصلنامه نوآوری آموزشی، ۱۶، ۶۰-۹۶.

نوبخت فرد، سحر. (۱۳۸۸)، بررسی تاثیر مقابله درمانگری بر افسردگی، افکار خودکار و بهزیستی روانی دانشجویان دختر خوابگاههای دانشگاه ارومیه. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه ارومیه.

Amram, Y., & Dryer, C. (2007), The Development and Preliminary Validation of the Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS). Palo Alto, CA: Institute of Transpersonal Psychology Working Paper. Available on [http://www. Geocities . com/isisfindings/](http://www.Geocities.com/isisfindings/).

Carver, J. (2002), Coping stress and social resources among with unipolar depression. *Journal of Personality and Social Psychology*, 4, 51-55.

Cavanagh, G. (1999), Spirituality for managers: context & critique. *Journal of organizational change management*, 12(3): 186-199.

Emmons, R. A. (2000), Is Spirituality intelligence? Motivation, Cognition, and the psychology of ultimate Concern. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10 (1), 3-26.

Hamer, D.D. (2004), *The God Gene*. New York: Anchor Books.

Hynes, M. H. (1996), Health, an Islamic perspective. On- line religion in japan. Osaka University. Japan, College of Economics Kanto University.

Kim, Y., Seidlitz, L. (2002), Spirituality moderates, the effect of stress on emotional and physical adjustment. Department of Psychiatry, University of Rochestre Medical Center.

Koenig, H. G., Weiner, D.K., Peterson, B. L., Meador, K. G., & Keefe, F. G. (1997), Religious Coping in thenursing home: a biopsychosocial model. *International Journal of Psychiatry in Medicine*, 27(4), 365-374.

Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970), Determining sample size for research activities. *Educational psychological Measurement*, 30, 607-610.

Lazarus, R.S., Folkman, S. (1984), *Stress, appraisal and coping*. New York: Springer.

Nagas, Y., Uchiyama, M., Kaneita, Y., Li. L., Tatsuhiko, K., Takahashi. S., Konno. M., Mishima, K., Nishikawa, T., Ohida, T., (2009), Coping strategies and their correlates with depression in the japaneses general population. *Psychiatry Research*. 168: 57-66.

- Pargament, K. I., Koenig, H. G., & Perez, L. M. (2000). The many methods of religious coping: development and initial validation of the RCOPE. *Journal of Clinical Psychology*, 56, 519-543.
- Piedmont, R. L. (1999), Dose spirituality represent the sixth factor of personality? Spiritual transcendence and the five-factor model. *Journal of personality*, 67, 985-1013.
- Smith, B.T., McCullough, E.M., Pool, J. (2003), Religiousness and depression evidence for a main effect and the moderating influence of stressful life events. *Psychosomatics*, 44(4), pp. 614-636.
- Spilka, B., Hood, R. W., Hunsberger, B., Gorsuch, R. (2003), *The psychology of Religion*. 3rd ed. New York: The Guilford press.
- Wigglesworth, C. (2004), "Spiritual Intelligence & Why it Matters". Conscious Pursuits, Inc. (CPI).

#### یادداشت شناسه مؤلف

ولی اله خوش طینت: استادیار گروه الهیات و علوم اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نشانی الکترونیک: vkhoshtinat@gmail.com

## Survay of Religious Coping Style in PNU Students with an Emphasis on Spiritual Elevation

V. Khoshtinat

### Abstract

Considering that Spiritual Elevation is effort make the wide sense of the ultimate goal of life and death and also religious coping is defined as a method of religious resources such as prayer and benediction, trust in God and recourse on God uses to deal with stress. Therefore, in order to investigate of religious coping style in PNU students with an emphasis on Spiritual Elevation, a study was conducted in Payame Noor University of Ardabil; and 400 person's of students were selected randomly method as statistical sample. This research method is descriptive - correlative. Data were collected the fieldwork using two questionnaires. The questionnaires were included: 1) Scale Spiritual Elevation and 2) religious coping scale whit 14 questions. The results showed that: the mean Spiritual Elevation and its components, including unity, spiritual bond (except in male students), and spiritual prosperity between both female and male students from middle and probable (mean sense) their proportion was significantly higher. But the spiritual bond among male students (Whit mean: 23.4 and Standard Deviation: 3.4) is moderate. Between the studied students, 5 percent have a negative coping style and 95 percent have a positive coping style and but Spiritual Elevation variables cannot be explain the significant of coping styles. Of course, this can be due to that most of students were positive coping styles and predicted homogeneous society, often is not significant.

ولی اله خوشنیت

### Keywords

Spiritual Elevation, PNU students, religious coping, spiritual bond of unity